

مضامین و چالش‌های نقش راهبردی دیپلماسی اقتصادی در توسعه تجارت خارجی ایران

مجتبی رستمی*

فرشید نمایان**

چکیده

ساختار اقتصادی کشورها تحت تأثیر سیاست خارجی است. دیپلماسی به‌عنوان نقش اول توسعه اقتصادی به‌شمار می‌رود؛ بنابراین بهبود روابط ایران در سطح منطقه از اهمیت زیادی برخوردار است که در پژوهش‌های پیشین توجه چندانی به آن صورت نگرفته است. این مطالعه با هدف «بررسی و شناسایی مضامین و چالش‌های نقش راهبردی دیپلماسی اقتصادی در توسعه تجارت خارجی ایران» صورت گرفته است. در این پژوهش، با روش کیفی تحلیل تم و نمونه‌گیری به صورت غیراحتمالی هدفمند با تکنیک گلوله‌برفی انتخاب گردید. گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته با کارشناسان و خبرگان و فعالان در حوزه تجارت خارجی انجام شد و با روش تحلیل تم، مضامین و چالش‌های اصلی دیپلماسی اقتصادی استخراج و دسته‌بندی شد. در پژوهش حاضر پس از بررسی و استخراج نهایی ماتریس، سه مضمون به‌عنوان چالش‌های پیش‌رو مشخص گردید که مضامین نهایی عبارتند از: ضعف نظام ساختاری سیاست خارجی در بستر جذب و انتقال «ظرفیت‌ها» و «فرصت‌های اقتصادی»، عدم تعادل کارکردهای نهادهای اقتصادی در پیشبرد توسعه تجارت خارجی در بازارهای بین‌المللی، تخریب زنجیره ارزش در استفاده از ظرفیت‌های داخلی و افزایش فعالیت‌های غیرمولد.

واژه‌های کلیدی: دیپلماسی اقتصادی، تجارت خارجی، توسعه، تحلیل تم، دیپلماسی

طبقه‌بندی JEL: F49, F13, F44, O00, O24

* دانش‌آموخته دکتری مدیریت بازرگانی. دانشگاه آزاد اسلامی همدان (نویسنده مسئول)؛

Rostami.mojtaba@yahoo.com

** استادیار گروه مدیریت بازرگانی. واحد کرمانشاه. دانشگاه آزاد اسلامی کرمانشاه. ایران؛

Farshidnamamian@iauksh.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۱

فصلنامه روابط خارجی، سال یازدهم، شماره چهل و چهارم، زمستان ۱۳۹۸، صص ۸۰-۶۳

مقدمه

دیپلماسی اقتصادی در دهه‌های اخیر روندی مستمر و رو به رشد از تحول داشته است و مبنایی برای نفوذ در بازارهای خارجی به صورت عمیق ایجاد کرده است؛ بنابراین الزام به اتخاذ دیپلماسی اقتصادی متناسب و ترویج مدل رشد اقتصادی در عرصه بین‌المللی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. تحلیل و بررسی دیپلماسی اقتصادی نقش قابل‌توجهی در توسعه صادرات و شرکت‌های صادرکننده دارد. گسترش صادرات بین‌المللی تغییرات چشمگیری داشته است. کشورها جهت بهبود روابط تجاری و اقتصادی به عرصه دیپلماسی اقتصادی ورود کرده‌اند. لازمه فعال شدن ظرفیت‌های داخلی توسعه اقتصادی، بهره‌گیری از فرصت‌ها و ظرفیت‌های بین‌المللی و تطبیق با استانداردها و معیارهای بین‌المللی است. در این راستا، رویکردهای مختلفی در مناسبات خارجی متناسب با الزامات بین‌المللی قابل توجه است که معمولاً توسط دولت‌های نوظهور اقتصادی تجربه شده یا در حال تجربه است. ایران با وجود تلاش‌های انجام شده در زمینه توسعه روابط تجارت خارجی، نیازمند اهتمام جدی توسعه و تعمیق روابط تجاری با کشورهای همسایه و نیز برون‌رفت از تحریم‌های کشورهای بیگانه از ضروریات و تأکیدات سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است. فرصت‌سوزی‌های صادراتی و اقتصادی در سطح منطقه همگی مباحثی هستند که یافتن چالش‌ها و راهکارهای مناسب در حل معضلات مناسبات اقتصادی با کشورها به خصوص افزایش صادرات به کشورهای همسایه ایران را امری اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. مباحث ذکر شده، بر ضرورت شناسایی مضامین و چالش‌های روابط تجاری با کشورهای منطقه و به‌ویژه عراق تأکید دارد. از آنجا که

استفاده از رویکرد دیپلماسی اقتصادی با روش‌های اصولی و بروز در زمینه سهولت و دسترسی به بازارهای خارجی برای شرکت‌های داخلی را می‌توان یکی از ابزارهای مهم برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار برشمرد؛ لذا در این پژوهش با هدف بررسی و شناسایی مضامین و چالش‌های نقش راهبردی دیپلماسی اقتصادی در توسعه تجارت خارجی ایران صورت گرفته است. جهت عمق‌بخشی به هدف پژوهش، کشور عراق به دلایل داشتن طولانی‌ترین مرز خشکی، تشابهات فرهنگی و دینی و زبانی، نیازهای متقابل، مرزهای طولانی، گذرگاه‌ها، پایانه‌ها و بازارچه‌های مرزی متعدد با زیرساخت‌های نسبی و پیوندهای عمیق سیاسی دوجانبه در سطح ملی و همکاری‌ها و همبستگی‌های نزدیک در سطح استان‌های همجوار به‌عنوان مورد مطالعه این پژوهش قرار گرفته است. با انجام مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با خبرگان و صاحب‌نظران و فعالان اقتصادی در حوزه دیپلماسی اقتصادی و تجارت خارجی در بازارهای بین‌المللی به‌ویژه کشور عراق، مضامین و چالش‌ها با روش کیفی تحلیل تم استخراج شد. شناخت زوایای عملی و کاربردی رویکرد نوین دیپلماسی اقتصادی درک تازه‌ای از کسب و کار و موضوع تلاش برای هموار نمودن گسترش روابط تجاری در اختیار ما می‌گذارد.

۱. پیشینه نظری

۱-۱. دیپلماسی اقتصادی

تحول دیپلماسی اقتصادی در اوایل دهه ۲۰۰۰، در واکنش به پایان جنگ سرد، و روند رو به رشد ورود بازیگران غیر دولتی مانند کسب و کار خصوصی شکل گرفت (Woolcock, Stephen & Bayne, Nicholas). دیپلماسی اقتصادی ابزار مهمی برای سیاست خارجی دولت‌ها است تا بتواند منافع اقتصادی را در رابطه با ارتقاء تجارت افزایش دهد و سرمایه‌گذاری را از طریق کانال‌های دیپلماسی افزایش دهد (Tilhabanello, 2014). دیپلماسی اقتصادی می‌تواند به عنوان استفاده از روابط دولتی و نفوذ دولت به منظور تحریک تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی تعریف شود و این فعالیت طیف وسیعی از نمایندگی‌های نیمه دائمی بین‌المللی، مؤسسات داخلی و

فعالیت‌های دوجانبه دیپلماتیک را شامل می‌شود (Moons & van Bergeijk, 2013: 5). «باین» و «ولکوک» (۲۰۰۷) بیان می‌کنند که «دیپلماسی اقتصادی به‌طور عمیقی به ساختن داخلی اقتصاد ادامه می‌دهد و همچنین سیاست‌های مربوط به تولید، حرکت یا مبادله کالا، خدمات، ابزار (از جمله کمک‌های رسمی توسعه)، اطلاعات پولی و تنظیم آنها را پوشش می‌دهد (Woolcock & Bayne, 2007: 4). دیگر صاحب‌نظران، دیپلماسی را به‌عنوان مهم‌ترین رکن سیاست خارجی، ابزاری می‌دانند که تلاش می‌کند اهداف دولت‌ها را به‌پیش ببرد و متناسب با توانایی‌ها و اهداف سیاست خارجی ابعاد متفاوتی به خود می‌گیرد (Brighi & Hill, 2008: 13). تعامل بین اقتصاددانان و دیپلمات‌ها تبدیل به موضوع فزاینده‌ای در ادبیات اقتصاد و روابط بین‌الملل شده است. سفارتخانه‌ها ابزار مهمی برای تسهیل تجارت هستند. دیپلماسی اقتصادی می‌تواند به‌عنوان استفاده از ابزارهای سیاسی بین‌المللی _ دیپلماسی برای دستیابی به اهداف اقتصادی تعریف شود» (Didier, 2018: 1). سه مؤلفه موافقت‌نامه‌های اقتصادی، ارتباطات تجاری و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را به‌عنوان عوامل تاثیرگذار در دیپلماسی اقتصادی معرفی می‌کنند (Papadimitriou & Pistikou, 2014: 45). ژاپن دیپلماسی اقتصادی را با استفاده از ابزارهایی مانند کمک‌های توسعه برای رسیدن به امنیت اقتصادی خود و ترویج مدل رشد دولت در خارج از کشور، به‌کار گرفته است. روند ساختن سیاست خارجی به‌طور محسوسی و تقویت این هنجارها برای مخاطبان داخلی و بین‌المللی ژاپن است (Tonami, 2018: 1).

۲-۱. دیپلماسی تجاری

«دیپلماسی تجاری»^۱ یک رشته تحقیق علمی است (Rue'l A & L Wolthers, 2016). جهانی شدن، تأثیر رو به رشد اقتصادهای نوظهور و انفجار بازیگران فرعی دولتی که به‌طور جدی در دیپلماسی حضور دارند (Marques, 2017: 221). «یو» و «سانر» (۲۰۱۷) دیپلماسی تجاری را نشان‌دهنده یک فضای جدید تعاملی در دستیابی به تأثیر اجتماعی در مقیاس اجتماعی فراتر از مبادلات تجاری می‌دانند

1. Commercial Diplomacy

(Yiu & Saner, 2017). دیپلماسی تجاری پیوندهای تنگاتنگی با دیپلماسی اقتصادی دارد با وجود این در وجوهی از دیپلماسی اقتصادی متمایز است. دیپلماسی تجاری را به‌عنوان بخشی از دیپلماسی اقتصادی برشمرده‌اند و کارویژه آن را عمدتاً در مذاکره بر سر موافقت‌نامه‌های تجاری و اجرای این موافقت‌نامه‌ها دانسته‌اند؛ اهدافی چون توسعه سرمایه‌گذاری در خارج، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و تجارت را در برمی‌گیرد. دیپلماسی تجاری عمدتاً شامل کمک به ترویج صادرات و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) و دسترسی به مواد خام است (Berridge, 2015: 210). ظهور دولت تجاری یعنی بازرگانی و فتح در دنیای مدرن می‌باشد؛ این مفهوم به معنی اولویت دادن به عوامل اقتصادی در طول سیاست‌های خارجی، فرایند اجرایی و سازوکار دولت اشاره دارد که سیاست‌های اقتصادی در تصمیم‌گیری‌های حاکمان نقش اصلی دارند و در عین حال آن را به‌عنوان اهمیت عوامل مانند نیازهای تجاری، گسترش بازارهای صادراتی و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تعیین می‌کنند (Özdemir & Serin, 2016: 470).

۲. پیشینه پژوهش

کارآمدی دیپلماسی اقتصادی

موانع تجارت بین‌المللی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) با وجود پیشرفت در فناوری ارتباطات و حمل‌ونقل، هزینه‌های حمل و نقل عمومی و کاهش موانع تجاری رسمی، باقی مانده است. به‌طور خاص، موانع تجاری غیر رسمی، تفاوت‌های فرهنگی و نهادی و شیوه‌های عملیاتی همچنان موانع نامحدودی را ایجاد می‌کنند که اصطکاک‌هایی شبیه به عوامل مقاومتی مرسوم را بررسی می‌کنند (Disdier & Head, 2008). دیپلماسی اقتصادی، موضوع تحقیق ما، به‌طور فزاینده‌ای به‌عنوان یک ابزار شناخته شده است که می‌تواند برای مقابله با این موانع نامحدود برای تجارت مورد استفاده قرار گیرد (van Bergeijk Yakop, 2011 & van Bergeijk, 2009). دیپلماسی اقتصادی قصد دارد بر تصمیمات مربوط به فعالیت‌های اقتصادی بین‌المللی که توسط دولت‌ها و بازیگران غیردولتی دنبال می‌شود، تاثیر بگذارد

(Bayne & Woolcock, 2003; Okano Heijmans, 2011). دیپلماسی اقتصادی به طور معمول یک موضوع بین رشته‌ای به رشته‌های اقتصاد بین‌الملل، اقتصاد سیاسی بین‌المللی و روابط بین‌الملل است و در همه رشته‌ها توجه بیشتری را به خود جلب می‌کند (van Bergeijk et al, 2011). توجیه اقتصادی دیپلماسی اقتصادی مبتنی بر: ۱. وجود اطلاعات نامتقارن برای شرکت‌های بین‌المللی و ۲. اثرات خارجی با جمع آوری و به اشتراک گذاری اطلاعات در مورد شرایط بازار و فرصت‌های تجاری در بازارهای بین‌المللی است (Hausmann & Rodrik, 2003).

نتایج مطالعات «مونز» و «وان برژیک» (۲۰۱۷) با این سؤال «آیا دیپلماسی اقتصادی تأثیر قابل توجهی بر جریان تجارت و سرمایه‌گذاری دارد و چه نشانه‌ای از آن رابطه است؟» مورد بررسی قرار می‌گیرید. مطالعات اولیه در نمونه از دیپلماسی اقتصادی به‌عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی استفاده می‌کند. برآورد پارامتر دیپلماسی اقتصادی می‌تواند به‌عنوان مشتق جزئی تجارت بین‌المللی (سرمایه‌گذاری) با توجه به ابزار دیپلماتیک خاص مورد بررسی در مطالعه اولیه تفسیر شود. نقطه کانونی شبکه بین‌المللی کشورها (شامل سفارتخانه‌ها، کنسولگری‌ها، ادارات ارتقاء صادرات و سرمایه‌گذاری ملی، محلی و منطقه‌ای) و استفاده از آن شبکه (ماموریت‌های تجاری در سطوح مختلف نمایندگی دیپلماتیک در این شبکه سازمان‌یافته) است و همچنین یافته‌های مونز نشان می‌دهد که دیپلماسی اقتصادی تأثیر مثبت و معناداری بر جریان تجارت دارد. تجزیه و تحلیل رگرسیونی به ناهمگونی بیشتر در اهمیت ضرایب دیپلماسی اقتصادی اشاره می‌کند و اهمیت طراحی تحقیق و ویژگی‌های مطالعات اولیه را برجسته می‌کند. به‌طور خاص به این نتیجه رسیدند مطالعات اولیه که تنها در یک کشور بررسی می‌کنند کمتر احتمال اثرات مثبت قابل توجهی را نشان می‌دهد و ابزارها به‌طور قابل توجهی متفاوت هستند و بنابراین به‌عنوان ابزار جداگانه در تحقیقات آینده گنجانده شود و دریافتند که معیارهای دیپلماسی اقتصادی در کشورها به‌طور گسترده متفاوت است (Moons & van Bergeijk, 2017).

هدف عمده دیپلماسی اقتصادی کمک به توسعه اقتصاد ملی است و کارکرد

اصلی آن جستجوی اهداف اقتصادی با معیارهای دیپلماتیک است؛ خواه با ابزارهای اقتصادی یا غیراقتصادی باشد (Ploae, 2010). مهم‌ترین اولویت‌ها و اهداف دیپلماسی اقتصادی به‌ویژه برای کشورهای در حال توسعه را می‌توان تسهیل فضای کسب و کار تجاری، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، توریسم، بهبود تصویر کشور و دستیابی به تکنولوژی و علم دانست (Naray, 2008). در بررسی یافته‌های مقاله موسوی شفقایی و دیگران (۱۳۹۵) «دیپلماسی اقتصادی و قدرت‌یابی چین در عرصه جهانی» به اهمیت جایگاه دیپلماسی اقتصادی در چین پرداخته شده است. اهمیت کشورهای در حال توسعه برای نخبگان فعلی چین را می‌توان دسترسی به بازار و دسترسی به منابع، به‌ویژه منابع انرژی دانست. یافتن بازارهای بکر و متنوع از مهم‌ترین کارکردهای دیپلماسی اقتصادی چین به خصوص در کشورهای جهان سوم است. کالاهای انبوه، با قیمت‌های اندک که به یمن نیروی کار ارزان به دست می‌آید، به‌طور عمده بازارهای کشورهای در حال توسعه را هدف گرفته است. به همین دلیل دیپلماسی اقتصادی چین تأکید ویژه‌ای بر این کشورها دارد. چین علاوه بر عضویت در سازمان‌هایی همچون «اِپِک»، «آ.سه. آن+۳»^۱، توجه جدی به دیگر سازمان‌های منطقه‌ای به‌عنوان ابزاری برای گسترش نفوذ در این مناطق دارد. این کشور با سازمان‌های منطقه‌ای مانند «اتحادیه اروپا»^۲، «سازمان دولت‌های آمریکایی»^۳، «اتحادیه آفریقا»^۴ و «شورای همکاری خلیج فارس»^۵ تعامل فعالانه‌ای دارد. چین در راستای قدرتمندی و ارتقای جایگاه اقتصادی خود در عرصه جهانی رویکرد دیپلماسی اقتصادی را در پیش گرفته است. برای رسیدن به این هدف نخبگان این کشور برنامه‌هایی چون جذب سرمایه‌گذاری خارجی، تسهیل فضای کسب و کار تجاری، رونق توریسم، دستیابی به علم و تکنولوژی روز و بهبود

-
1. OPEC
 2. ASAN+3
 3. European Union
 4. Organization of American States
 5. African Union
 6. Gulf Cooperation Council

تصویر کشور را به اجرا گذاشته‌اند.

۳. روش پژوهش

روش‌های تحقیق کیفی مانند تحلیل تم، که در دو دهه اخیر در مسائل علوم انسانی کاربرد زیادی داشته‌اند، روشی مناسب برای تحلیل موضوع پیچیده دیپلماسی اقتصادی هستند، به خصوص که مدل مفهومی اولیه برای تحلیل کمی موجود نیست. مصاحبه‌های مفصل با خبرگان و صاحب‌نظران و فعالان در حوزه تجارت خارجی به روش گلوله‌برفی مورد تحلیل قرار گرفت و بررسی و کدگذاری شد. کدهای مستخرج از مصاحبه‌ها دسته بندی و دسته‌های مرتبط در مضامین خلاصه شد و در انتها چالش‌ها و بدیل‌های مرتبط مشخص شد و مصاحبه‌ها تا حد اشباع داده ادامه پیدا کرد. در این پژوهش به منظور افزایش سطح قابلیت اعتبار، فرایند انجام مصاحبه تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. همچنین شاخص نسبت روایی محتوا ۷۵ درصد برآورد شد، از این رو می‌توان گفت حداکثر اجماع نظری خبرگان حاصل شده است. برای سنجش پایایی یا قابلیت اطمینان، از ضریب «کاپای کوهن» استفاده شد. با توجه به معنادار بودن شاخص کاپا (۷۲ درصد در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵)، فرض توافق بین پژوهشگر و کدگذار دوم به تأیید رسید.

در پژوهش حاضر از روش مصاحبه نیمه ساختاریافته، به منظور استخراج عوامل و تحلیل نقش دیپلماسی اقتصادی در پشبرد و توسعه تجارت خارجی استفاده شده است. این شیوه می‌تواند در یک سطح ساده و دقیق به‌عنوان چهارچوبی برای چند مصاحبه در یک بررسی استفاده شود. این پژوهش در صدد بررسی عوامل مؤثر و نقش راهبردی دستگاه سیاست خارجی به‌عنوان دیپلماسی اقتصادی است. در نتیجه به منظور حفظ عینیت در پژوهش علاوه بر مصاحبه خبرگان در حوزه دیپلماسی و تجارت خارجی، از تعدادی فعالان در حوزه بازار خارجی عراق به‌عنوان مطالعه موردی نیز استفاده شده است. «سیلورمن»^۱ (۲۰۰۹) بیان می‌کند مصاحبه عمیق امری قابل اتکا برای عینی و دقیق‌ترین تصور از امر

1. Silverman

واقع است. مصاحبه‌ها ابزار ارتباط با روایت‌های مصاحبه‌شوندگان از تجربه‌های واقعی‌شان را در اختیار می‌گذارند. دقت این ابزار در نوع عمیق مصاحبه پیشینه است. در شناسایی افراد مصاحبه‌شونده برای هریک از خبرگان و فعالان و پژوهشگران، از روش گلوله‌برفی استفاده شد، که براساس «بلور»^۱ و «ود»^۲ (۲۰۰۶) روش مناسبی برای شرایطی است که دسترسی به جامعه آماری با تعریف چهارچوبی برای نمونه‌گیری دشوار است. در این روش، از هر مصاحبه‌شونده خواسته شد که مصاحبه‌شوندگان دیگری را معرفی کند. در این پژوهش از روش تحقیق کیفی تحلیل تم استفاده شد. زیرا مسئله پیچیده و گسترده بود و مدل مفهومی قبلی موجود نبود. در بخش آزمون آن از لحاظ پایایی و روایی از جلسه تمرکز خبرگان استفاده شد. مصاحبه انفرادی و با حفظ محرمانه بودن اطلاعات انجام شد. محورهای مصاحبه به نحوی تنظیم شد که بتوان اطلاعاتی مفید درباره عوامل راهبردی مبنی بر توسعه پیشبرد تجارت خارجی را با نقش دیپلماسی اقتصادی آن جمع‌آوری کرد.

۴. یافته‌های پژوهش

با در نظر گرفتن اهداف پژوهش (شناسایی مضامین و چالش‌های نقش راهبردی دیپلماسی اقتصادی در توسعه تجارت خارجی ایران)، سوال اصلی اینگونه مطرح می‌گردد: «عوامل مؤثر و چالش‌های فرارو در توسعه و پیشبرد تجارت خارجی ایران کدامند؟» پس از انجام مصاحبه‌های فردی، تدوین محتوای اولیه، کدگذاری اولیه و ثانویه و تدوین مفاهیم و مضامین کلیدی صورت گرفت. به منظور حفظ وجاهت پژوهش، در پایان مرحله کدگذاری اولیه، موارد مرتبط با پیشینه پژوهش تفکیک و از دایره کدهای نهایی خارج شدند. که از ۳۰۷ کد شناسایی شده، ۱۸۰ کد انتخاب شد، در نهایت گردآوری مفاهیم و مضامین کلیدی از هریک از موارد، مستمر و تطبیقی انجام گرفت تا اطلاعات مستخرج از میدان در خدمت تکامل تدریجی بدیل‌های پیشنهاد شده و ماتریس‌های نهایی باشد. مضامین نهایی

1. Bloor

2. Wood

بدست آمده از مطالعه کیفی سه مورد در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. سه مضمون نهایی از تحلیل مصاحبه‌ها و پیشینه ناظر بر آنها

مضمون اول	ضعف نظام ساختاری سیاست خارجی در بستر جذب و انتقال ظرفیت‌ها، فرصت‌های اقتصادی
مضمون دوم	عدم تعادل کارکردهای نهادهای اقتصادی در پیشبرد توسعه تجارت خارجی در بازارهای بین‌المللی
مضمون سوم	تخریب زنجیره ارزش در استفاده از ظرفیت‌های داخلی و افزایش فعالیت‌های اقتصادی غیرمولد

جهت رسیدن به سه مضمون نهایی مطابق جدول ۱، فرایند آن بدین شرح انجام گرفت: پس از دسته‌بندی مضامین، ماتریس‌های تطبیقی ترسیم و سپس بدیل‌های نهایی برآمده از ماتریس‌ها (جدول‌های ۲ و ۳) با حضور تعدادی از نخبگان حاضر در مصاحبه‌های فردی استخراج شدند. در هریک از ماتریس‌ها بدیل‌های مربوط به آنها فهرست شدند.

جدول ۲. نمونه‌ای از ماتریس‌های تطبیقی استخراج شده

مصاحبه‌ها	مفاهیم پایه
۱	ضعف دیپلماسی اقتصادی در منطقه و سیاست واکنشی، عدم رویکرد دیپلماسی اقتصادی، فقدان دانش دیپلماسی اقتصادی، رویکرد نظامی و سیاسی در منطقه
۲	کاستن شائبه امنیتی همکاری اقتصادی با خارجی‌ها، نبود رابزن تخصصی در حوزه دیپلماسی اقتصادی، رابزن‌های اقتصادی بازارباب بین‌المللی، پذیرش حجم بالایی از مسئولیت‌ها، عدم قابلیت پاسخگویی به مطالبات تجار، انفعال تخصصی ناشی از مسئولیت حداقلی در روندهای اجرایی و نظارتی
۳	عدم فرصت و ظرفیت کافی وزارت امور خارجه جهت برنامه توسعه نفوذ اقتصادی، عدم بهره‌گیری از مناسبات سیاسی در بخش اقتصادی، تقویت انحصاری رقبای برخوردار از روابط خاص با کانون‌های امنیتی، بی‌معنا شدن ارزیابی در فاز گزینش برنده
۴	ایجاد منطقه ویژه اقتصادی و تجاری بین دو کشور، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، عدم لحاظ نمودن منافع ملی در بازارهای خارجی، فقدان الگوهای عملیاتی منسجم و به‌روز برای دسترسی به بازارهای خارجی
۵	چالش انتخاب سفیر با رویکرد تخصص اقتصادی در کشورها، عدم قابلیت نظارت تخصصی بر روندهای کلیدی سفارتخانه‌ها، مسئولیت‌ناپذیری سفیران و رابزن‌های بازرگانی منصوب در روندهای دیپلماسی تجاری
۶	ضرورت ارتباطات مستقیم تجار داخلی با عراقی‌ها، هموار نشدن زیرساخت‌های سخت و نرم، عدم پاسخگویی به فعالان اقتصادی به واسطه محدودیت دامنه دسترسی‌های داده‌ای، عدم دسترسی به داده‌های کلیدی جهت آماده سازی،
۷	عدم صیانت از منافع و حمایت‌های کنسولی برای بخش خصوصی، عدم آگاهی از داده‌های حساس، پذیرش فشار مضاعف به دلیل عدم تعادل در الگوی تقسیم مسئولیت‌های تخصصی،
۸	بی‌توجهی به نقش مؤثر دیپلماسی اقتصادی جهت همکاری‌های اقتصادی با پانزده کشور همسایه، ضریب تاثیرگذاری سیاست خارجی در بهبود مناسبات اقتصادی، عدم نقش‌آفرینی مؤثر در فازهای نفوذ در بازارهای بین‌المللی، عدم حضور فعالان اقتصادی به‌واسطه محدودیت‌های امنیتی، مواجهه با مقاومت‌های محافظه‌کارانه ارکان اجرایی

جدول ۳. نمونه‌ای از استخراج بدیل‌ها از ماتریس‌های تطبیقی

مفاهیم پایه	مصاحبه‌ها
افزایش دسترسی داده‌ای و تمهیدی به فعالان اقتصادی و هموار کردن زیرساخت‌های صادراتی و پاسخگویی‌های اجرایی و نظارتی، افزایش دسترسی به داده‌های کلیدی و فازهای تمهیدی	۱
احیای نقش دیپلماسی اقتصادی در تصمیم‌گیری‌های مناسبات سیاسی با کشورها	۲
ایجاد تناسب مسئولیت‌ها و تخصص‌ها و دسترسی‌های داده‌ای رایزن‌های بازرگانی، توانمندسازی سفیر و رایزن‌های اقتصادی در پاسخگویی به نیازها و فراهم کردن دسترسی بازارهای خارجی برای صادرکنندگان	۳
افزایش نقش رایزن‌های بازرگانی در داده‌های فنی و کارشناسی شده و تحلیلی به منظور پاسخگویی به فعالان اقتصادی	۴
ادغام ساز و کارهای نظارت‌های فراسازمانی پس از بازبینی چهارچوب‌ها و محتواهای نظارتی برای تسریع روندها و استفاده از ظرفیت‌های صادراتی و اقتصادی منطقه خاورمیانه	۵
افزایش نقش رایزن‌های اقتصادی در ثبت و دسته‌بندی داده‌های بازارهای خارجی کشورها	۶
تغییر ساختار سازمانی سیاست خارجی از رویکرد سیاسی به اقتصادی و بازبینی دیپلماسی تجاری	۷
نقش کلیدی دیپلماسی اقتصادی در تسریع روند توسعه اقتصادی، بهره‌گیری مطلوب از این ظرفیت‌ها در تسریع و تسهیل تحقق اهداف اقتصادی در چهارچوب سیاست‌های اقتصاد مقاومتی	۸

رویکرد پاسخ‌گویی خبرگان که در بسیاری مباحث مدیریتی و اقتصادی و نیز در زمینه تجارت خارجی مؤثر و مفید واقع گردید؛ راهکارهای جدید را شناسایی عوامل و چالش‌های نقش دیپلماسی اقتصادی در پیشبرد توسعه روابط تجارت خارجی ایران با عراق ارائه کرد. جمع‌بندی نظرات و بیان چالش‌های فرا روی روابط تجارت خارجی به مضامین و بدیل‌های اصلی منجر گردید. بدیل‌های نهایی با روش تحلیل مضمون انجام شد. نمونه جزئیات استخراج شده؛ شامل بدیل‌های مضامین برای دیپلماسی اقتصادی، در جدول‌های ۴ تا ۶ آمده است.

جدول ۴. بدیل مصاحبه‌شوندگان مربوط به مضمون نخست

چالش‌های دیپلماسی اقتصادی	بدیل شناسایی شده
فراگیر شدن انفعال در ارکان اجرایی و نظارتی، محدود شدن دسترسی‌های کارشناسی، عدم همکاری تخصصی نهادهای مربوطه در حوزه اجرایی و نظارت، خلأ اطلاعات کلیدی به فعالان اقتصادی	تعریف ابزارها و روش‌های ارتباط با بازارهای خارجی و ایجاد هسته کارشناسی در سفارتخانه‌ها، ایجاد بانک اطلاعات داده‌ای فنی و کارشناسی شده، احیای نقش رایزن‌های بازرگانی در تصمیم‌گیری‌ها و پاسخگویی‌های اجرایی

جدول ۵. بدیل مصاحبه‌شوندگان مربوط به مضمون دوم

چالش‌های دیپلماسی اقتصادی	بدیل شناسایی شده
به عقب رانده شدن فعالان اقتصادی واقعی در زمینه صادرات به نفع افراد رانتی و ایجاد حاشیه امن برای گسترش نظارت‌های قاطعانه اجرایی و مدیریتی در خصوص باندهای رانتیر	تعریف یک مرجع فوق مدیریتی برای تصمیمات حیاتی و غیرفنی به منظور نفوذ در بازارهای خارجی کشورها و استفاده به موقع از فرصت‌های صادراتی و ظرفیت‌های اقتصادی

جدول ۶. بدیل مصاحبه‌شوندگان مربوط به مضمون سوم

بدیل شناسایی شده	چالش‌های دیپلماسی اقتصادی
تدوین سیاست‌ها و شاخص‌های اقتصادی برای ارزیابی تعهدات سفارتخانه‌ها و نهادهای ذی‌ربط نسبت به منافع ملی و توسعه اقتصادی	عدم تعریف مسئولیت‌ها براساس نیازهای محیط بین‌المللی و ابهام در وضعیت نقش‌آفرینی به بینش‌های کلان و راهبردی مدیریت در وزارت امور خارجه، پرهیز از تعریف چهارچوب‌هایی برای مسئولیت‌های تخصصی برای موفقیت‌های به‌وجودآمده اقتصادی، طرد شدن فعالان اقتصادی و عدم پاسخ‌گویی و گسترش روزافزون دایره محرمانگی داده‌های فنی

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

دیپلماسی اقتصادی از سه دهه پیش با تغییر مناسبات و الزامات بین‌المللی در ادبیات سیاسی و روابط بین‌المللی باب شده و منشأ تغییرات بزرگی در سیاست خارجی کشورها با رویکرد منطقه‌گرایی شده است. از ضروریاتی که باید متوجه دولت‌ها باشد، سوق دادن ابزارها و متغیرهای اقتصادی در سیاست و رفتار خارجی با هدف بهره‌برداری توسعه‌ای و اقتصادی فعال است. براساس جدول شماره ۱، سه مضمون نهایی به‌عنوان مهم‌ترین ابعاد اثرگذار بر نقش دیپلماسی اقتصادی در پیشبرد تجارت خارجی شناسایی شد. مضمون نخست، ضعف نظام ساختاری سیاست خارجی در بستر جذب و انتقال «ظرفیت‌ها» و «فرصت‌های اقتصادی» است. تقریباً اکثر پژوهش‌های اخیر نظیر «سیم‌چف و کوزیک»^۱ (۲۰۱۸)، «وو»^۲ (۲۰۱۷)، «ادریسوف»^۳ و همکاران (۲۰۱۶) و «گورویچ»^۴ (۲۰۱۶)؛ تغییر ساختاری مؤثر را جزء مؤلفه‌های راهبردی معرفی کردند. در مورد مطالعه تجارت ایران و عراق نیز این مضمون محسوس بود که جهت شکل‌گیری صادرات مؤثر نیازمند تغییرات ساختاری در ابعاد مختلف اقتصادی کشور است. ضعف ساختاری موجود در سیاست خارجی منجر به فرصت‌سوزی ظرفیت‌های اقتصادی و صادراتی کشورهای منطقه به‌ویژه کشور عراق شده است، در شرایطی که عراق به شدت نیازمند بازسازی اقتصادی است. تغییرات شگرف در حوزه‌های ابزارها و

1. Simachev & Kuzyk
2. Vu
3. Idrisov, Ponomarev & Sinelnikov-Murylev
4. Gurvich

روش‌ها و ساختار اقتصادی اتفاق افتاده است که توجه در هر کدام از این حوزه‌ها در فضای بین‌المللی، ایجاد تغییر در نوع نگاه به مسایل بین‌المللی و همچنین روزآمدسازی مستمر استراتژی‌ها و سیاست‌ها را برای تمامی کشورها از جمله ایران، امری ضروری ساخته است. مضمون دوم، عدم تعادل کارکرد نهادهای اقتصادی در پیشبرد توسعه تجارت خارجی در بازارهای بین‌المللی شناسایی شد. نفوذ در بازارهای خارجی و رشد مستمر وضعیت نیازها و خلأهای صادراتی کشورها نیازمند تجارت هوشمند، نگاه جامع و سیستماتیک و ثبات برنامه‌ریزی استراتژیک است. در تحقیقات میدانی، شکاف نهادی و عدم مطابقت با نیازها و استفاده به‌موقع از فرصت‌های صادراتی جزء دغدغه‌ها و چالش‌های مهم روابط تجاری ایران در بازار عراق مطرح شد. یافته‌ها با مطالعات «آلوارث»^۱ و همکاران (۲۰۱۸) و کرام و زکی^۲ (۲۰۱۸) سازگار است. نگاهی به تجارب موفق کشورهای منطقه در عرصه سیاست بین‌الملل نیز گویای این امر است که ایران با تمامی پتانسیل‌های بالا برای توسعه، هنوز نتوانسته به جایگاه واقعی خود در عرصه توسعه اقتصادی و بهره‌برداری مطلوب از سیاست خارجی دست یابد. مضمون سوم، تخریب زنجیره ارزش در استفاده از ظرفیت‌های داخلی و فعالیت‌های غیرمولد است؛ اقتصاد منبع محور که منجر به اقتصاد رانته شده است. کاهش و جلوگیری از فساد اقتصادی از عوامل راهبردی و کلیدی جهت رشد صادراتی کشور شناسایی شد. سیاست‌های منافع کلان اقتصادی افراد و گروه‌های بانفوذ در سطح بازارهای بین‌المللی باعث افزایش صادرات منابع نفتی و واردات بی‌رویه محصولات مصرفی شده است؛ لذا فساد اقتصادی در جهت پیشبرد سیاست‌های غیرمولد، گرایش به سمت تخریب ارزش تولیدی حاکم بر کشور پیدا می‌کند. عدم توجه به ظرفیت‌های درونی و درون‌زایی اقتصاد و نفوذ فساد اقتصادی در لایه‌های تصمیم‌سازی مدیران سیاسی و اقتصادی باعث شکل‌گیری فعالیت‌های غیرمولد می‌شود. این یافته‌ها با نتایج مطالعات اکثر پژوهشگران نظیر «بریگولیو»^۳ و

1. Álvarez, Barbero, Rodríguez-Pose & Zoffo

2. Karam, F. & Zaki

3. Briguglio, Cordina, Farrugia & Vella

همکاران (۲۰۰۶) و بریگولیو (۲۰۱۴ و ۲۰۱۶) در مطالعه زمینۀ «حکمرانی خوب» سازگار است. در نهایت با عنایت به سه مضمون اصلی که به آنها اشاره شد، به نظر می‌رسد خروج از وضعیت موجود و افزایش کارایی اقتصاد داخلی و تقویت و گسترش روابط تجاری با کشورهای منطقه و عراق از وادی دیپلماسی اقتصادی، نیازمند توجه ویژه به سه مسأله است: مدیریت و بهره‌گیری بهینه از منابع داخلی، ظرفیت‌ها، امکانات و توانمندی‌های داخلی؛ تلاش برای متعادل کردن کارکردهای نهادهای اقتصادی کشور در عرصه بین‌المللی و اتخاذ یک سیاست خارجی تعامل‌گرای فعالانه با رویکرد دیپلماسی اقتصادی.

تجارت خارجی یکی از مؤلفه‌های اثرگذار در رشد و توسعه اقتصاد کشور است. دیپلماسی اقتصادی، که بخش عظیمی در برون‌مرزی را به خود اختصاص می‌دهد از جنبه‌های مختلف می‌تواند دچار چالش شود. مضامین اصلی شناسایی شده می‌تواند نقش دیپلماسی فعال را تبیین نماید. رویکرد دیپلماسی اقتصادی که در بسیاری از مباحث اقتصادی دیگر مؤثر بوده است، راهکارهای نوین را در شناسایی عوامل و چالش‌های اثرگذار نقش دیپلماسی اقتصادی ارائه می‌دهد. تجمیع نظریات و مطالبات به مضامین و بدیل‌های اصلی منجر شد. با روش تحقیق تحلیل تم، مضامین و چالش‌های اصلی از مصاحبه‌ها استخراج و دسته بندی شد. گرایش به سمت صادرات محصولات کالا و خدمات متنوع با ارزش افزوده بالا و در کنار آن ایجاد رایزن‌های صادراتی در کشورهای همسایه ایران می‌تواند نقش دیپلماسی اقتصادی را پررنگ کند.

پیشنهادات:

به منظور ضرورت و اهمیت دیپلماسی اقتصادی، به بررسی نقش آن در کشورهای منطقه جهت تسهیل تجارت خارجی و افزایش حجم مبادلات تجاری دوجانبه بین کشورهای منطقه پرداخته شود.

بررسی تخریب زنجیره ارزش در استفاده از ظرفیت‌های داخلی و کاهش فعالیت‌های غیرمولد در زمینه تجارت خارجی مورد مطالعه گسترده قرار بگیرد. بنا بر یافته‌های پژوهش، دیپلماسی اقتصادی یکی از مؤلفه‌های تاثیرگذار و

کلیدی الگوی تجارت خارجی معرفی گردید.

بررسی ضعف نظام ساختاری سیاست امور خارجه در بستر جذب و انتقال ظرفیت‌ها و فرصت‌های اقتصادی و بازاریابی خارجی مورد مطالعه قرار بگیرد. بررسی برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در مسیر اجرای عملی سیاست‌های دیپلماسی اقتصادی در جهت تقویت و گسترش تجارت خارجی در منطقه به‌ویژه پانزده کشور همسایه مورد مطالعه قرار بگیرد.

منابع

موسوی شفاپی، مسعود؛ ایمانی، همت و باقری، مهدی (۱۳۹۵). «دیپلماسی اقتصادی و قدرت‌یابی چین در عرصه جهانی». *مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل*. س ۱. ش ۲. صص ۳۵-۸۲.

- Berridge, G. R. (2015). *Economic and Commercial Diplomacy*. In *Diplomacy* (pp. 210-224). Palgrave Macmillan, London.
- Bloor, M., & Wood, F. (2006). *Keywords in qualitative methods: A vocabulary of research concepts*. Sage.
- Brighi, Elisabetta & Hill, Christopher (2008), "Implementation and Behavior", In: Steve Smith & Amelia Hadfield & Tim Dunne, *Foreign Policy Theories, Actors, Cases*, London: Oxford University Press.
- Briguglio, L. (2014). A vulnerability and resilience framework for small states.
- Briguglio, L. P. (2016). Exposure to external shocks and economic resilience of countries: evidence from global indicators. *Journal of Economic Studies*, 43(6), 1057-1078.
- Briguglio, L., Cordina, G., Farrugia, N., & Vella, S. (2006). Conceptualizing and measuring economic resilience. *Building the Economic Resilience of Small States*, Malta: Islands and Small States Institute of the University of Malta and London: Commonwealth Secretariat, 265-288.
- Disdier, A.-C. and K. Head (2008), 'The Puzzling Persistence of the Distance Effect on Bilateral Trade', *The Review of Economics and Statistics*, 90, 1, 37-48.
- Didier, L. (2018). Economic diplomacy: The "one-China policy" effect on trade. *China Economic Review*, 48, 223-243.
- Gurvich, E. (2016). Institutional constraints and economic development. *Russian Journal of Economics*, 2(4), 349-374.
- Hausmann, R. and D. Rodrik (2003), 'Economic Development as Self

- Discovery', *Journal of Development Economics*, 72, 2, 603–33.
- Idrisov, G., Ponomarev, Y., & Sinelnikov-Murylev, S. (2016). Terms of trade and Russian economic development. *Russian Journal of Economics*, 2(3), 279-301.
- Karam, F., & Zaki, C. (2018). Why don't MENA countries trade more? The curse of deficient institutions. *The Quarterly Review of Economics and Finance*.
- Marques, J. C. (2017). Business Diplomacy in Brazil: Early Lessons from an Emerging Economy. In *International Business Diplomacy: How can Multinational Corporations Deal with Global Challenges?* (pp. 219-239). Emerald Publishing Limited.
- Márquez-Ramos, L., Martínez-Zarzoso, I., & Suárez-Burguet, C. (2011). Trade Policy versus Trade Facilitation: An Application Using Good Old OLS. *Economics Discussion Paper*, (2011-38).
- Moons, S. J., & van Bergeijk, P. A. (2017). Does economic diplomacy work? A meta-analysis of its impact on trade and investment. *The World Economy*, 40(2), 336-368.
- Moons, S., & van Bergeijk, P. (2013). A meta-analysis of economic diplomacy and its effect on international economic flows. *ISS Working Paper Series/General Series*, 566, 1-30.
- Naray, O. (2008). *Commercial Diplomacy: A Conceptual Overview*. World Conference of TPOs The Hague The Netherlands.
- Nguyen, Q. T., & Almodóvar, P. (2018). Export intensity of foreign subsidiaries of multinational enterprises: The role of trade finance availability. *International Business Review*, 27(1), 231-245.
- Özdemir, E., & Serin, Z. V. (2016). Trading State and Reflections of Foreign Policy: Evidence from Turkish Foreign Policy. *Procedia Economics and Finance*, 38, 468-475.
- Papadimitriou, P., & Pistikou, V. (2014). Economic Diplomacy and Security in Sovereign States. *Procedia Economics and Finance*, 9, 42-65.
- Ploae, C. (2010). (n.d.). Recent trends of Commercial Diplomacy in the Balkans Area.
- Ruël, H. J., & Wolters, T. (2016). Business diplomacy. *The SAGE handbook of diplomacy*.
- Silverman, D. (Ed.). (2009). *Qualitative research*. Sage.

- Tlhabanello, T. (2014). An Assessment of Economic and Commercial Diplomacy in Micro-States: A Case Study of Namibia.
- van Bergeijk, P. A. G., H. de Groot and M. Yakop (2011a), 'The Economic Effectiveness of Diplomatic Representation: An Economic Analysis of its Contribution to Bilateral Trade', *The Hague Journal of Diplomacy*, 6, 1-2, 101-20.
- Woolcock, S., & Bayne, N. (Eds.). (2013). *The new economic diplomacy: decision-making and negotiation in international economic relations*. Ashgate Publishing, Ltd.
- Bayne, N., & Woolcock, S. (Eds.). (2011). *The new economic diplomacy: decision-making and negotiation in international economic relations*. Ashgate Publishing, Ltd.
- Yiu, L., & Saner, R. (2017). Business Diplomacy in Implementing the Global 2030 Development Agenda: Core Competencies Needed at the Corporate and Managerial Level. In *International Business Diplomacy: How can Multinational Corporations Deal with Global Challenges?* (pp. 33-58). Emerald Publishing Limited.